

غریبه و درخت

این الاغ را ببین
این پایا
به جای ریشه نیندیشیده
سر سنگ بی ترک ناگنجا
آن هم فراز دیواری کوتاه از سنگ سخت
جزیره

بی خاک دل خوش کرده که:
بماند بیالد به ثمر رسد و بازار سازد
اگر چه از قد من هم دوسه ارش بلندتر شده
هم امروز است یا فردا
که پیاده شود از سنگ یا سرنگون از جا

و اگر اما
توانست به کرسی بنشاند
که فقط رطوبت و هوا
در این نیمه گرمسیر جا
پروراننده است
و انبوهی بیشه ها یا
هرزی و روانی. رویش را
دستیار گرفته به رخ من کشید
و ایرادم را برلیم خشکاند

پس شگفتا که آن دم
بایدش بگویم
نه خانم! قانون زمین تو را
حالا شناختم

سرسبز بمانی و پادار
الاغ تو نیستی
آن
من ام

2005-12-29 برمودا